



بیانات در دیدار کارگزاران حج - 18 / خرداد / 1401

بیانات در دیدار کارگزاران حج در آستانه‌ی اعزام بیت‌الله‌الحرام به سرزمین وحی (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله الطاهرين سيّما بقيّة الله في الارضين ارواحنا فداه.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان این حرکت بزرگ الهی و اسلامی حج در امسال. بشارت بزرگی بود که بعد از دو سال تعطیل، خدای متعال این باب را دوباره بر روی زائران ایرانی، مشتاقان ایرانی و دیگر برادرانی که در کشورهای دیگر هستند گشود. این دعوت الهی است که در را باز میکند، راه را به روی شما می‌گشاید؛ این لطفی از طرف کسی نیست؛ این قبول اشتیاق شما و حجّاح محترم است از سوی پروردگار عالم. ان شاء الله که حجّ خوبی داشته باشید و با سلامت و امنیّت و استجابت دعا و ان شاء الله کسب تفضّلات الهی با دست پُر همی حجّاج به سلامتی برگردید. از بیانات این دو برادر عزیز هم تشکر میکنم و اقداماتی که ذکر کردند که انجام گرفته، اقدامات باارزشی است.

یک کلمه‌ی کوتاه درباره‌ی حج عرض میکنم. حج، یک برنامه‌ی مدبّرانه‌ی الهی است. همه‌ی برنامه‌های الهی مدبّرانه است لکن این برنامه با زوایایی که دارد و خصوصیّاتی که دارد و گستره‌ای که دارد، با همه‌ی برنامه‌های دیگر فرق میکند. این، نشان‌دهنده‌ی احاطه‌ی علمی حضرت حق (جلّت عظمته) بر وجود انسان، بر دل انسان، بر نیازهای انسان و نه آن هم یک شخص انسان، [بلکه] جامعه‌ی بشری، آن هم نه در یک نسل، [بلکه] در طول نسلهای متمادی است. این احاطه‌ی علمی موجب شده است که خدای متعال به تناسب نیازهای بشر و زوایای گوناگون این نیازها این برنامه را در اختیار بشر قرار بدهد، این فرصت را به افراد بشر بدهد که از این استفاده کنند؛ حج یک چنین برنامه‌ای است. لذا شما ملاحظه میکنید خدای متعال در سوره‌ی مائده بعد از آن که برخی از احکام حج را بیان میکند، بعد میفرماید: ذَلِكَ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ (۲) این چیزهایی که بر شما واجب کردیم، این کعبه و این هدّی (۳) و این قلائد (۴) و مانند اینها، برای این است که شما بفهمید، علم پیدا کنید به احاطه‌ی علمی پروردگار؛ بدانید خدای متعال چگونه با اسرار و جزئیّات زندگی شما آشنا است، بر اساس آنها برای شما حکم می‌گذارد.

خب چه جوری بفهمیم؟ با تدبّر؛ یعنی این جور هم نیست که همین جوری که انسان نگاه کند، همه چیز برایش روشن بشود؛ نه، باید فکر کند، تأمل کند، تدبّر کند، از دانش و اندیشه بهره بگیرد تا بفهمد که این هدّی‌ای که آنجا قربانی میشود، این طوافی که انجام می‌گیرد، این وقوفی که در عرفات یا مشعر میشود و امثال اینها، چه تأثیری در زندگی بشر دارد. یعنی حج یک چنین برنامه‌ای است که خدای متعال با علم به زوایای نیازهای بشری، این برنامه را با این همه فروع و جزئیّات برای بشر معین کرده، آن هم به صورت مستمر؛ یعنی این جور نیست که یک سال باشد، یک سال نباشد؛ نه، این مستمرّاً در همه‌ی این سالها وجود دارد، این برنامه خواهد بود ان شاء الله تا ابدالدّهر و ادامه خواهد داشت. خب، اگر بتوانیم از تدبّر لازم برخوردار بشویم در این زمینه، آن وقت می‌فهمیم که بهره‌مندی‌های



انسان از حج چقدر است، و این بهره‌مندی‌ها چه گستره‌ی عظیمی از زندگی بشر را شامل می‌شود.

قرآن کریم درباره‌ی حج در یک جمله‌ی کوتاه تقریباً همه‌ی حکمت حج را بیان کرده که اگر چنانچه ما بتوانیم فکر کنیم، استفاده کنیم از بیانات معصومین، از تدبّر در قرآن، از این یک کلمه خیلی چیزها می‌شود فهمید. در همین سوره‌ی مائده می‌فرماید: *جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ*؛ (۵) [البته] فقط کعبه هم نیست دیگر؛ بعد [دارد] شهر الحرام، هدّی و قلائد و امثال اینها – که مجموعه‌ی حج را می‌خواهد بیان کند، نه خصوص کعبه‌ی شریف را – همه‌ی اینها برای چیست؟ قیاماً للناس است. «قیام» در اینجا به معنای مصدری نیست. قیام را اهل لغت و اهل تفسیر معنا کرده‌اند و می‌گویند قیام در اینجا به معنای «ما یقوم به الشیء» است؛ [یعنی] ستون؛ یک بنائی تکیه به یک ستون می‌کند؛ به این می‌گویند «قیام»؛ آن ستون، قیام است. اینجا خدای متعال می‌گوید که حج، ستون زندگی بشر است؛ این خیلی مهم است. «قیاماً للناس» است؛ مال ناس است؛ مال من و شما و این و آن، چند نفر، تعداد یک نسل، یک جمعیت، یک مجموعه نیست؛ مال ناس است، مال بشریت است، قیام است برای بشر. این کلمه‌ی «قیام» دوبار در قرآن به کار رفته؛ دو مرتبه این کلمه‌ی قیام در قرآن به کار برده شده: یکی درباره‌ی ثروت ملی است: *لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا*؛ (۶) این فقط اینجا است. اموال را، مال را در جامعه، ثروت را خدای متعال وسیله‌ی قیام جامعه قرار داده، و واقعه‌ی هم همین است دیگر؛ بدون مال و بدون ثروت که جامعه نمیتواند حرکت بکند. نیاز به ثروت و مال دارد؛ از لحاظ جنبه‌ی مادی، بشر احتیاج به آن دارد. یکی هم اینجا است: *جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ*؛ اینجا هم قیام است.

خب، اینجا قیام فقط جنبه‌ی مادی ندارد، البته جنبه‌ی مادی هم دارد: *لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ*؛ (۷) آن منافع، شامل منافع مادی هم هست اما بیش از این، منافع معنوی است، منافع رفتاری است، منافع اخلاقی است، یاد دادن سبک زندگی است؛ حج این است. آنچه شما در حج – یعنی در همین اعمال حج، مجموع اعمال حج – انجام می‌دهید، در مجموع به شما، یعنی به نسلهای پی‌درپی و متصل به هم تعلیم می‌دهد که بایستی ارکان زندگی‌شان را چه جوری انتخاب کنند؛ یک جا حرکت است، یک جا سکون است، یک جا پرهیز است، [یک جا] هم تعلیم همزیستی است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حج هست، «همزیستی» است. افرادی که با هم هیچ آشنایی‌ای ندارند، با فرهنگهای مختلف، از جاهای مختلف، رنگ مختلف، زبان مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند. *فَلَا رَفْثَ وَلَا قَسَوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ*؛ (۸) یعنی هیچ حق ندارید با هم درگیری پیدا کنید، مشکل پیدا کنید؛ همزیستی [باید کنید]؛ می‌بینید؟ یک قلم، همین همزیستی است. الان مشکلات بشر – نه فقط مشکلات مسلمانها – در دنیا از چیست؟ از این است که همزیستی بلد نیستند؛ به همدیگر زور می‌گویند، از همدیگر بدگویی میکنند، جای همدیگر را تنگ میکنند، به همدیگر ضربه می‌زنند. حج همزیستی را یاد می‌دهد؛ در یک برهه‌ی محدودی یک نمونه‌ای از همزیستی را به شما نشان می‌دهد، می‌گوید این جوری باید زندگی کنید.

یک نمونه‌ی دیگر، تعلیم «ساده‌زیستی» است. احرام، مظهر ساده‌زیستی است دیگر؛ یعنی هیچ لباس زیادی در احرام وجود ندارد؛ فقط همین که بدن شما را بپوشاند؛ این ساده‌زیستی است. واجب نیست که شما در همه‌ی زندگی این جوری [لباس] بپوشید و با احرام زندگی کنید؛ نه، اما می‌خواهد بگوید که این کار را یاد بگیرید؛ یاد بگیرید که میشود ساده‌زیستی کرد و باید ساده‌زیستی را ترویج کرد. این هم باز مثل همان موضوع قبلی [یعنی] همزیستی است. اگر شما نگاه کنید، بسیاری از بدبختی‌ها و مشکلات عالم به خاطر این زیاده‌خواهی‌ها و اشرافی‌گری‌ها و



تجمل پرستی‌ها و مانند اینها است؛ بخش عظیمی از ثروت عالم دارد صرف این چیزها میشود؛ [البته] در همه جا، حالا در کشور ما هم متأسفانه همین جور – در جاهای دیگر ده‌ها برابر، صدها برابر دارد صرف این چیزها میشود – [اما] اینجا موظفید به ساده‌زیستی؛ یعنی خصوصیت حج این است که وقتی میخواهد تعلیم بدهد، این جوری تعلیم میدهد؛ یعنی باید شما این چند روز را این جور ساده‌زیستی داشته باشید. این هم یک تعلیم است، سبک زندگی است.

[نکته‌ی بعدی] تمرین «اجتناب، پرهیز». از یک چیزهایی باید ما در دنیا پرهیز کنیم، در زندگی باید پرهیز کنیم. بشر حریص است، بلد نیست پرهیز کردن را؛ اینجا درس پرهیز است، باید پرهیز کنیم؛ پرهیز از محرّمات احرام. همه‌ی چیزهایی که در احرام باید از آنها اجتناب بکنید چیزهای معمولی است اما باید پرهیز کنید. باید یاد بگیرید که اگر چنانچه یک حشره‌ای روی بدن شما است به او آسیب نزنید؛ خیلی کار سختی است دیگر. باید عادت کنید که برای تزئین به آئینه نگاه نکنید؛ باید یاد بگیرید این را؛ این یک پرهیز است که در اوقات عادی ممنوع نیست اما این، تعلیم پرهیز است، پرهیز کردن را یاد بگیرید. ما یاد بگیریم که از یک چیزهایی باید در زندگی پرهیز کرد، این را تمرین کنیم؛ این تمرین در حج هست. ببینید؛ اینها چه قلمهای مهمی است در زندگی بشر؛ هم آن همزیستی، هم آن ساده‌زیستی، هم این تمرین پرهیز.

یک نکته‌ی دیگر، تمرین «استفاده نکردن از چیزهایی که دم دست شما است». بعضی از ما این جوری هستیم؛ بالاخره یک ملاحظاتی داریم، به مال کسی دست نمیزنیم و مانند اینها، ولیکن گاهی اوقات یک چیزی در اختیار ما قرار میگیرد – بیت‌المال است دیگر؛ در اختیار ما قرار میگیرد – یک توجیهی درست میکنیم، از این بیت‌المال یک چیزی به یک نحوی و با یک توجیهی برمیداریم؛ یک چیزی در اختیارمان قرار گرفته، قبلاً که در اختیارمان نبود این کار را نمیکردیم. این یکی از بلیّات است؛ این یکی از بلیّات زندگی بشر است که وقتی چیزی در دسترس او قرار گرفت، اجتناب از آن و مقابله‌ی با هوای نفس در مورد آن برایش مشکل میشود؛ مثل قضایای گوناگون، مثلاً فرض کنید ارتباط با نامحرم، مسائل جنسی و امثال اینها. یک چیزی در اختیار شما قرار میگیرد، باید بلد بشوید حالا که در اختیار شما است، به معنای این نیست که این مباح است؛ این را قرآن به ما یاد میدهد در حج: یا ایُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا لَیْبَلُوْكُمْ اللهُ بِشَیْءٍ مِنَ الصَّیْدِ تَنَالُهُ اَیْدِیْكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ؛ (۹) در ایّام حج، چون صید بزی (۱۰) محرّم است، حیوانات راحت می‌آیند در اختیار؛ میدانند شکار میشوند، می‌آیند در اختیار شما قرار میگیرند؛ این آهو را یا بز کوهی را اگر میخواستید در حال عادی شکار کنید، خیلی کار زحمت‌داری بود، اما حالا نه؛ حالا دست شما هم به او میرسد، نیزه‌ی شما هم به او میرسد، [اما] باید اجتناب بکنید. لَیْبَلُوْكُمْ اللهُ؛ خدای متعال شما را آزمایش میکند، بِشَیْءٍ مِنَ الصَّیْدِ؛ با یک جور صید کردن، شکار کردن. البته بحث، سر شکار غیر محرّم است؛ بعضی از انواع شکار اصلاً در حال عادی حرام است، اما این مال آن شکاری است که در حال عادی حرام نیست، در حال احرام در حج حرام است. خدا به این وسیله شماها را امتحان میکند؛ یعنی تمرین کردن اینکه شما یاد بگیرید وقتی یک چیزی در اختیارتان قرار گرفت، به صرف اینکه کسی ملتفت نیست، متوجه نیست، دست به طرف آن دراز نکنید. البته اینها نمونه‌ها است؛ از این قبیل فراوان است.

بنده در مورد طواف و در مورد وقوف و مانند اینها در سالهای گذشته زیاد صحبت کرده‌ام، دیگران هم بیش از ما و بهتر از ما صحبت کرده‌اند در این زمینه‌ها؛ من این چند نکته‌ی کوتاه را خواستم عرض بکنم. «قیاماً للّئاس» یعنی این؛ زندگی تکیه‌ی به حج دارد. خیلی از مسائل اساسی زندگی، خطوط اصلی زندگی و سبک زندگی، در حج برای



شما از آب درمی‌آید؛ یعنی با تأمل و تدبّر در حج و توجّه در حج می‌توانید اینها را یاد بگیرید؛ و این مال این نسل نیست، مال همه‌ی نسلها است؛ هزار و چهارصد سال و اندی است که این وجود دارد، بعد از این هم هزاران سال به فضل الهی وجود خواهد داشت تا قیام قیامت؛ حج این [جور] است. خدای متعال در یک کلمه اینها را بیان کرده: جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ.

خب، چند توصیه من بکنم برای حجّاج عزیز و مسئولین حج. اولاً شما مسئولین حج خیلی قدر بدانید این کار را؛ هر کدامتان به هر نحوی، چه بخش نمایندگی، چه بخش مدیریت حج و سازمان حج، چه بخشهایی که همکاری میکنند، بخش بهداشتی، بخش امنیتی، بخش هلال احمر، بخشهای تبلیغی، صدا و سیما و دیگران و دیگران که همکاری میکنند، همه بدانند که دارند کار مهمی را انجام میدهند؛ یعنی اشتراک در یک امر مهمی دارند میکنند. تعاونوا علی الیر و التّقوی؛ (۱۱) این واقعاً تعاون بر برّ و تقوا است؛ قدر این کار را بدانید. خب؛ حالا «قدرش را بدانیم» یعنی چه؟ یعنی آن را خوب انجام بدهید. خوب انجام دادن یعنی چه؟ اول این است که با قصد تقرب الی الله انجام بدهید؛ چون خدای متعال خواسته، انجام بدهید. بعد هم سعی کنید کار را با بهترین وجهی، متقن، محکم، با ابتکار ان شاء الله انجام بدهید. و قدر این کار را بدانید؛ خیلی باارزش است؛ واقعاً کارتان کار باارزشی است.

یک توصیه به حجّاج محترم است و آن، این است که خودشان را برای بهره‌مندی از این فضای معنوی آماده کنند. انسان همیشه آماده نیست؛ ببینید، نماز که ما می‌خواهیم بخوانیم، به ما می‌گویند قبل از آن، هم وضو بگیریم، هم اذان بگیریم، هم اقامه بگیریم؛ اینها هیچ کدام جزو نماز که نیست اما ما را آماده‌ی ورود در ساحت مقدّس نماز میکنند، دل ما را نرم میکند؛ باید آماده شد. حجّی که بدون آمادگی باشد، ممکن است کم‌فایده از آب دربیاید؛ در بعضی از احکام حج هم یک اشاره‌هایی به این دارد؛ مثلاً فرض کنید شما در سفر اول حج، [موهای] سرتان را باید بتراشید؛ حلق واجب است. مستحب است که از مدتی پیش موهای سرتان را اصلاً نزنید تا خوب بلند شود، بعد آنجا بتراشید؛ این، آماده کردن خود است برای حج. موی سر که بلند میشود، خب زیباتر است، قشنگ‌تر است، بهتر است، [لذا] دل‌کنند از آن با اجر بیشتری است. خودتان را آماده کنید برای این فضا؛ با تلاوت قرآن، با ذکر آیات حج، با توجّه به مفاهیمی که در حج وجود دارد، با شوق به کعبه، با شوق به [زیارت] قبر مطهر پیغمبر اکرم و قبور اولیای معصومین که متمّم حج است. این یک نکته که بنابراین آماده‌سازی خود و دل خود برای ورود در ساحت مقدّس حج [است].

یک توصیه‌ی دیگر این است که در خود این سفر لحظه لحظه‌ها را قدر بدانید. بنده البته قبلاً هم مکرّر این را گفته‌ام که بازارگردی عیب است؛ به هر نیتی بروید بازارگردی کنید، عیب است؛ مثلاً - بهانه درست میکنیم دیگر - بگویید: نه، فلان مورد لازم است، آدم باید [بخرد]؛ نه، لازم نیست. به جای اینکه بروید وقتتان را در آن بازارهای مشکل‌دار [صرف کنید] - که حالا دیگر نمی‌خواهم من تعبیرات تندتری بکنم، که واقعاً جای تعبیرات تندتر هست - به جای صرف [وقت] در آن بازارها و آن دکان‌گردی‌ها و مغازه‌گردی‌ها، برای آن کسی که میخواهید سوغاتی بخرید، بروید دو رکعت نماز در مسجد الحرام بخوانید؛ بروید یک طواف دور کعبه برای او بکنید، بروید آنجا دعایش کنید، بروید نیم صفحه قرآن برای او بخوانید؛ سوغاتی واقعی این است. آن چیزی که شما در آنجا به عنوان سوغاتی تهیه میکنید - که گران‌تر از جنس داخل هم هست؛ جنس داخل در موارد متعدّدی بسیار بهتر از آن هم هست؛ هم بهتر است، هم ارزان‌تر است - این را همین‌جا تهیه کنید. اگر میخواهید یک هدیه‌ای هم به کسی بدهید - هدیه خوب است، عیب ندارد - همین‌جا تهیه کنید؛ چرا آنجا تهیه میکنید؟ کمک کردن به چه کسی؟ آن هم با چه قیمتی؟ با چه قیمت



روحی و معنوی، غیر از قیمت جیبی و مادی! این هم یک توصیه.

یک مطلب دیگر، مسئله‌ی اتحاد است؛ اتحاد. حج، مظهر اتحاد امت اسلامی است؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد؛ سعی کنید این اتحاد به هم نخورد. ائمه (علیهم السلام) میرفتند در نماز جماعت پیش‌نمازی که در مسجد الحرام نماز میخواند شرکت میکردند؛ امام صادق میرفت شرکت میکرد؛ تعمد داشت که شرکت کند و ببینند. این برای چیست؟ چرا ما این حرفها را یادمان می‌رود؟ مدام صد بار تکرار میکنیم، [اما] باز یکی از آن طرف صدایش بلند میشود راجع به مسئله‌ی شیعه و سنی و اختلافات و شکافها؛ چرا این کار را میکنند؟ چرا به سود دشمن کار میکنند؟ نمیدانند که انگلیس‌ها هنرشان ایجاد اختلاف است و یکی از گسرها و شکافهایی که همیشه انگلیس‌ها استفاده کرده‌اند، شکاف بین شیعه و سنی بوده. یواش‌یواش دیگران هم یاد گرفته‌اند و حالا شما در این اندیشه‌های آمریکا – اندیشه‌های سیاسی و امثال اینها – ملاحظه میکنید در تحلیل‌هایی که میکنند؛ [میگویند:] فلان افراد شیعه‌اند، فلان جاها شیعه‌اند، فلان جاها سنی‌اند؛ به آنها هم رسیده شیعه و سنی. نکنید! نکنند! برادرانه با هم زندگی کنید. بله، اختلاف نظر هست، در اعتقادات هم اختلاف نظر هست، در عقاید هم هست اما اشتراک نظر هم هست؛ ما این همه مشترکات داریم؛ این همه موارد اشتراک داریم؛ اینها را بکلی ندیده بگیریم برویم سراغ اختلافات؟ نگذارید! نگذارید! امام (رضوان الله علیه) ممنوع کردند نماز جماعت را در داخل کاروانها. آن وقت گفتند «نکنید». بروید آنجا نماز بخوانید، بروید در مسجد نماز بخوانید. این برای همان اتحاد است. این اتحاد را هر چه میتوانید بیشتر کنید.

یکی از چیزهایی که میتواند موجب اتحاد بشود، تماسهای مبین و خوب است؛ تماس، خوب است. یکی از چیزهایی که میتواند مورد اتحاد باشد، استفاده‌ی از این قرآن محترم است. شنیدم باز یک تعدادی قاری بحمدالله امسال دارند می‌روند؛ این بسیار کار خوبی است. این قرآن محترم بروند، بخوانند، شنوندگان تلاوت کلام الله لذت ببرند، کماینکه بنده هر وقت می‌شنوم، واقعاً لذت بسیار می‌برم از خواندن و تلاوت اینها. یکی از کارها که وحدت ایجاد میکند، همین است. قرآن مایه‌ی وحدت بین مسلمین است. و از این قبیل [کارها].

یک مسئله، مسئله‌ی صهیونیست‌ها است؛ یعنی امروز بلای صهیونیسم برای دنیای اسلام، بلای نقد و فوری و دم دستی است. همیشه بلا بوده‌اند، حتی قبل از تشکیل دولت جعلی رژیم صهیونیستی؛ آن وقت هم سرمایه‌دارهای صهیونیستی در دنیا بلا برای جان همه بودند اما الان هم برای بخصوص دنیای اسلام بلا است. این را باید افشا کرد، باید گفت؛ حالا به هر شکلی که بلدید، به هر شکلی که میتوانید. این کسانی و این دولتهایی – دولتهای عربی – که با صهیونیست‌ها با همدیگر دست دادند و مصافحه کردند و روبروسی کردند و جلسه گذاشتند، هیچ سودی نخواهند برد از این کار؛ هیچ؛ جز ضرر برایشان چیز دیگری ندارد. اولاً ملت‌هایشان مخالفند؛ عرب و غیر عرب؛ حالا بنده گفتم عربها، غیر عربها هم بعضی‌هایشان همین کار را کردند. ملت‌هایشان مخالفند، اینها می‌نشینند آنجا با همدیگر قهوه می‌خورند، ملت‌هایشان آن پایین علیه آنها مشت گره میکنند و شعار میدهند. پس این به ضررشان است. بعلاوه رژیم صهیونیستی اینها را می‌مکد، اینها را استثمار میکند، اینها ملتفت نیستند، نمی‌فهمند؛ البته بعد از چندی خواهند فهمید که امیدواریم [آن زمان] دیر نشده باشد. اینها باید افشا بشود. تنها چیزی که این دولتها را وادار میکند [به این کار]، خواست آمریکا است؛ میخواهند بر طبق خواست آمریکا عمل کنند؛ چون دل آمریکا میخواهد، میخواهند عمل کنند؛ چون فشار آمریکا است، میخواهند عمل کنند؛ فقط همین است و الا واقعاً هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد.



یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی وظیفه‌ی دولت میزبان است؛ یک وظایف سنگینی بر عهده‌شان هست. مکه که مال آنها نیست؛ مکه مال همه‌ی آحاد مردم است: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ**؛ (۱۲) برای مردم وضع شده؛ **سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ**؛ (۱۳) آن که آنجا ساکن است، و آن که از بیرون می‌آید، همه با هم یکسانند؛ مال همه است؛ مال این دولت که نیست؛ حالا یک دولتی بالاخره در آنجا حاکمیت پیدا کرده و امور آنجا را به دست گرفته، باید بر طبق مصلحت دنیای اسلام عمل کند، نه بر طبق مصلحت خودش. این چیزهایی که نقل کردند از افزایش بعضی از هزینه‌ها و مانند اینها، اینها کارهایی است که باید تجدید نظر کنند. وانگهی امنیت زوآر را باید حفظ کنند؛ بنده امنیت همه‌ی زوآر دنیای اسلام را و به طور ویژه امنیت زوآر ایرانی را بجد مطالبه می‌کنم؛ موظفند؛ موظفند که این امنیت را حفظ کنند و نگذارند که فجایع گذشته تکرار بشود.

یک نکته‌ی آخر هم [این است که] شما مسئولان حج ببینید می‌توانید زمان حج را کوتاه کنید؛ [این] واقعاً یکی از مسائل مهم است. حالا بیست و چند روز مثلاً طول میکشد. ببینید میشود یک کاری کرد؛ بالاخره کار نشد که ندارد؛ باید راهش را پیدا کرد. بگردید راهش را پیدا کنید ببینید [اگر] میشود، زمان حج را کوتاه کنید. حالا وقتی زمان را کوتاه کردید ممکن است کسی بخواهد بیشتر بماند، بیشتر زیارت کند، خوب میماند اما اگر کسانی خواستند زودتر برگردند بتوانند برگردند؛ ببینید این را دنبال کنید؛ البته کار آسانی نیست، کار سختی است؛ میدانم اما در عین حال میشود دنبال کرد و فکر کرد.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد، کمکتان کند بتوانید این وظیفه‌ی بزرگ و حسّاس و مهم را به بهترین وجهی انجام بدهید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام سیّد عبدالفتاح نوّاب (نماینده‌ی ولیّ فقیه در امور حج و زیارت و سرپرستی حجّاج ایرانی) و آقای سیّد صادق حسینی (رئیس سازمان حج و زیارت) گزارشهایی ارائه کردند.
۲) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹۷؛ «... این [جمله] برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است میداند، و خدا است که بر هر چیزی دانا است.»

۳) قربانی‌های بی‌نشان

۴) قربانی‌های نشان‌دار

۵) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹۷؛ «خداوند [زیارت] کعبه‌ی بیت‌الحرام را وسیله‌ی به پا داشتن [مصلح] مردم قرار داده. ...»

۶) سوره‌ی نسا، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله‌ی قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید. ...»

۷) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۲۸؛ «تا شاهد منافع خویش باشند. ...»

۸) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۹۷

۹) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹۴؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه‌های شما باشد خواهد آزمود. ...»

۱۰) بیابانی، ساکن خشکی



- (۱۱) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید. ...»
- (۱۲) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹۶؛ «در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده. ...»
- (۱۳) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۲۵